

ارتجاع در کفرانسیرابط

امپریالیسم جهانی دست نشانده گانش از چندین سال پیش میکوشیدند دول مرتجع کشورهای اسلامی را بدوریکدیگر گرد آورند، میان این دولتها "یعنی اسلامی" بوجود آورند و بدین وسیله درانجام نقشه های نو استعماری خود هماهنگی جدیدی بیافرینند. سرودای این توطئه پس از مسافرت محمد رضا شاه به عربستان سعودی و بواسطه خائنانهاش مملکت فیصل برخاست، ولی این توطئه خائنانها به علت تضادی که در محافل امپریالیستی بخصوص بر سر خلیج فارس موجود بود، عملی نگردید.

بدیهی است که انگیزه امپریالیستها از این اقدام دلجویی برای اسلام نبود. آنها بدین طریق میخواستند با استثمار بیشتر از پانصد ملیون خلقهای کشورهای اسلامی که با مهارت جلادانی مانند ملک فیصل و محمد رضا شاه اسیر گشته اند، درام بیشتری بخشند و بزرگ نهضت انقلابی خلقهای عرب را درهم شکنند. همین نیت پایید آنها را بر آن داشت که با "سو" استفاده از خشم و هیجانی که بمناسبت حریق مسجد الاقصی بوجود آمده بود، کفرانسیحالی سران اسلامی" را فراخوانند. مجالب توجه است که این بار نیز مساله فراخواندن کفرانسیحالی از جانب دولت مرتجع عربستان سعودی مطرح گردید و این خود ارتباط نقشه جدید را با توطئه ورانگشته فدیم که از جانب محمد رضا شاه و ملک فیصل طرح شده بود، میسازد.

اکثریت "رهبران" کشورهای اسلامی عناصری هستند که رابطه ای با نهضت خلقی ندارند و وابستگیشان با امپریالیسم جهانی و زندگی و دستنیشان کشور از دولت مرتجع اسرائیل نیست (بویژه اندونزی، مالزی، ایران، ۰۰۰) بسیاری از این دولتها صمیمانه ترین روابط سیاسی و اقتصادی با دولت مرتجع اسرائیل دارند (بویژه ترکیه، ایران، نیجریه و سنگال ۰۰۰). مثلا دولت شاه بقرار اطلاعات موثقی که بدست آمده برای اسرائیل شک نظامی هم میفرستد. با وجود این چه کسی میتواند کوچک ترین صدائی در این "رهبران" سراغ کند؟ این "رهبران" بدان خاطر بدور یکدیگر گرد نیامدند تا حمایت خود را از مردم سرزمین فلسطین اعلام کنند، هدف آنها فقط این بود که با تنگ چنگ توده ای خلق فلسطین آب بباشند و تعیین سرنویشت خلق فلسطین را مجدداً به "سازمان ملل متحد"، با امپریالیسم امریکا و به سویال امپریالیسم شوروی که گویا "در قبال حفظ صلح بین المللی مسئولیت خاصی برعهده دارند" بسپارند. شاه در گفتار خود در آخرین جلسه کفرانسیحالی و پوست کنده بیان داشت: "استفاد من اینست که کوشش در چهارچوب سازمان ملل متحد برای حل این مساله از طریق مسالمت آمیز دنیا را با ما همراه خواهد کرد... من از مصیبت قلب دعا میکنم که هدف عالی ماها همگاری سازمان ملل متحد در محیط صلح تحقق یابد... من معتقدم که باید از همه دولتها بخصوص چهار دولت بزرگ که برای حل مساله کوشش میکنند بخواهیم که بجا بگویند در اجرای قطعنامه نوامبر ۱۹۴۷ چه اقدامی کرده اند... (اطلاعات ۵/۴۸/۷۰). سرفه نامه نویس اطلاعات (۳/۴۸/۷۰) با رضایت کامل متذکر شد که "کفرانسیحالی خود را در قبال مسائل مورد بحث غفلت کرده و نظریات و پیشنهادهای افراطی" تن در نداده است. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز خاطر نشان کرد که "دولت شاهنشاهی توصیه های سران کشورهای اسلامی را کجای قطعنامه های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد مطابقت داده باشد و دولت شاهنشاهی بانی یا پشتیبان آن قطعنامه ها بوده است تأیید میکند". البته این نظریات تنها بقیه در ص ۳۰

چه بود و چه شد

توسعه نیروهای تولید، بسوی پیشرفت تکامل روان گردید. طرف مدت کوتاهی از یک کشور پهناور عقب افتاده کشتی سوسیالیستی با اقتصادی شکوفان و نیروی مادی و فرهنگی عظیم پدید آمد. کشور اتحاد شوروی به دو نیرومند انقلاب بدل شد. پروتلاریا و زحمتکشان جهان بدرستی تحقق آمال و آرمانهای خود را در جامعه شوروی می یافتند و از دل و جهان آنرا پاسداری میکردند.

با پیروزی ارتش دلاور سرخ بر اهریمن فاشیسم عظمت و اقتدار اتحاد شوروی به اوج خود رسید. کشور شوراها آنچنان محبوبیت و آنچنان احترام و اعتباری در نزد توده های مردم سراسر جهان یافت که در تاریخ سابقه نداشت. اقتدار شوروی تنها در نیروی مادی آن نبود، بیشتر در قدرت معنوی آن بود. در این بود که پروتلاریا و توده های رنجبر مانند کوه های عظیمی در پشت آن ایستاده بودند.

اما... هینکه استالین بزرگ دیده از جهان فرو بست و دشمنان سوسیالیسم که سالها خود را در صفوف حزب کمونیست اتحاد شوروی پنهان ساخته بودند، با خنده و نیرنگ قدرت را در حزب و دولت قبضه کردند. راه خیانت به انقلاب اکبر، خیانت به سوسیالیسم، خیانت به خلق های شوروی و جهان را در پیش گرفتند. عظمت خیانتی که این خیانتکاران مرتکب شدند به دشواری در تصور میگردد. اینان گذشته تابناک و درخشان کشور شوراها، مهد سوسیالیسم را با ساجت و بی پرواگی کم نظیری سیاه کردند تا با فرافت بال سوسیالیسم را بیرون انداخته و به احیا تولید سرمایه داری بپردازند. زمینهای روینای سوسیالیستی را در هم ریختند تا بجای آن سیستم اقتصاد و آموزش و فرهنگ بورژوازی را مستقر گردانند.

آنچه که بنام "سیستم نوین اقتصادی" بقیه در ص ۲۷

کارها و توده ها

"توده ها بطور کلی در همه جا از سه قسمت تشکیل میشوند: بخش نسبتاً فعال، بخش میانه و بخش نسبتاً عقب مانده. بدین جهت رهبران باید با مهارت عناصر فعال را بگرد روبری متحد گردانند و با تکیه با آنها سطح آگاهی سیاسی عناصر میانه را بالا ببردند و عناصر عقب مانده را بسوی خود جلب نمایند" (ماثوسه دوم)

در پیرامون مشاجرات

بخش دولتی و بخش خصوصی

گذاری کلان است در دست خود می گیرند تا آنها را نه بسود تمام خلق بلکه بسود طبقات غارتگر و ارتجاعی بکنینار اندازند. هر لحظه که منافع طبقات مذکور ایجاب کند آن رشته های اقتصادی را بعنوانین و بهبهانه های گوناگون از صورت دولتی بصورت خصوصی در می آورند یعنی در اختیار سرمایه داران خصوصی می گذارند. در این دو مرحله دولتها بدو شکل عمل میکنند ولی معنای عمل آنها در هر دو مرحله یکی است: خدمت سرمایه داران خصوصی. پس از جنگ بعضی از دول اروپای غربی مانند انگلستان و فرانسه برای آنکه برخی از صنایع کاسه دراز برای بیخود بگردند و با آنها با خورن ملت رونق بخشند آنها را با اصطلاح "ملی" کردند یعنی در دست خود گرفتند و سپس وقتی که منابع مذکور نیرو گرفت و سود سرشار به بار آورد آنها را دوباره سرمایه داران انحصاری بگردانند. و این امر هنوز هم جاری است. روزیونیست های اروپا که در معجزات "ملی شدن" صنایع در روزگار دولت امپریالیستی داد سخن میدهند طبقه کارگر بقیه در ص ۳۰

"تاریخ اکنون در برابر ما نزد یکترین وظیفه ای را قرار داده است که از تمام نزد یکترین وظایف پروتلاریای هر کشور دیگری برپای انقلابی تراست. انجام این وظیفه یعنی انهدام تکیه گاه ارتجاع... پروتلاریا روس را پیشا هتنگ پروتلاریای انقلابی بین المللی خواهد نمود" (لنین: چه باید کرد). طبقه کارگر روسیه در زیر رهبری لنین بزرگ و استالین این وظیفه را با سرلندی و افتخار به انجام رسانید و بحق خود را در مقام "پیشا هتنگ پروتلاریای انقلابی بین المللی" قرار داد.

پروتلاریای قهرمان روسیه با انجام انقلاب کبیر اکبر بسوی پروتلاریای جهان و به کلیه زحمتکشان نشان داد که چگونگی و از چه راهی میتوان طبقات ستمگرو استثمارگر را از زیرکوه قدرت بزرگ کرد. و با در دست گرفتن قدرت خود را از قبضه استثمار و اسارت و ستم طبقاتی رهائی بخشید. انقلاب اکبر در تاریخ جهانی جهش عظیمی است از دنیای کهنه بدنیای نو. از دنیایی که در آن طبقه کارگر "هیچ" است بدنیایی که در آن "همه چیز خواهد بود"، دنیایی که در آن کار و شایستگی معیار ارزش انسانی است، دنیایی که در آن زحمت کشان را بیم فردا و جوانان را تشویش آینده نیست. بهبود نیست که زحمتکشان جهان با شور و اشتیاق فراوانی از انقلاب اکبر استقبال کردند و پشتیبانی از مهد سوسیالیسم را در برابر نیروهای اهریمنی سیاه و وظیفه خویش شمرند؛ بیسوده نیست که از آن پس طبقه کارگر و رنجبران جهان راه انقلاب اکبر را در پیش گرفتند و در پی پیشا هتنگ خویش روان شدند. رفیق استالین وقتی میگفت: من خیال میکردم که ما هم وظیفه خود را بشایه گردان خیرتی پروتلاریا انجام داده ایم، عمیقاً ساختمان سوسیالیسم و با پیروزی برغول فاشیسم وظیفه خود را بشایه "پیشا هتنگ پروتلاریای انقلابی بین المللی" بسا سرلندی و افتخار انجام داده بود.

پس از انقلاب کبیر اکبر طبقه کارگر شوروی در زیر رهبری لنین و سپس استالین راه ساختمان دنیای نو را ادامه دادند و جامعه ای نو بنا نهاد که در آن وسایل تولید در اختیار طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قرار گرفت، مناسبات کارگزاران و ارباب و رعیت نابود گردید، آموزش و فرهنگ در اختیار توده های زحمتکش درآمد. منابع رشد تولید از میان برداشته شد و جامعه موزون و با آهنگی سریع بسوی بسط و

رویزیونیستهای اروپائی، ملی شدن برخی از بنگاههای صنعتی بدست دولتهای امپریالیستی را راه مسالمت آمیز گذار به سوسیالیسم می شمارند و روزیونیست های اروپائی توجیه بخش دولتی صنایع بدست دولتهای رژیم کورتا را راه رشد غیر سرمایه داری می پندارند. بعقیده روزیونیست های اروپائی وقتی که دولت بیک یا چند بنگاه صنعتی خود و یا رشته ای از فعالیتهای خود را به بخش خصوصی وامیگذارد "فاجعه" بزرگی روی داده است، وقتی که دولت به قبضه کردن این یا آن رشته از فعالیت اقتصادی دست میزند در جهت مطالبات و منافع خلق قدم برداشته است. این توهمت روزیونیستی از آنجا سرچشمه میگردد که روزیونیستها تعلیق طبقاتی دولت را از یاد میبرند. آموزش مارکسیسم - لنینیسم را پشت گوش می اندازند که دولت در همه حال ضرورتاً ماشین فشار طبقه و یا طبقات معینی است. ضرورتاً خدمتگزار طبقه و یا طبقات معینی است. دولت هائی نظیر دولت ایران رشته هائی از اقتصاد را که ایجاد و بسا نگهداری آنها پیوسته و یا در دوران معین نیازمند سرمایه -

تاکتیک جدید

هر قدر چهره گریه و نامیوس روی زمین و سوسال امپریالیسم از زیر نقاب سوسیالیسم بیشتر عیان میگردد عرصه بزمه اقمین اتحاد شوروی تنگ و تنگتر میشود .

زمانی بود که روی زمین های حزب توده ایران در قاع بیچون و چرا از اتحاد شوروی و خط مشی ضد انقلابی آنرا به طرفداران خود توصیه میکردند . آنها دست این عناصر را در حمله به حزب توده ایران در سراسر زندگی آن باز نگذاشته بودند بشرط آنکه شوروی و زمامداران روی زمین آن از انتقاد تا چه رسد به حمله و هجوم در امان مانند . آنها بخصوصی میدانستند که تا هنگامی که روی زمین های شوروی قادرند توده های کشور ما را با نقاب سوسیالیسم و با سوء استفاده از گذشته پرافتخار کشور شوراها بفریبند روی زمین های ایران همچنان بر خرماد سوار خواهند بود و از دشنام و ناسزای عناصری چند تزلزل در ارگان قدرت آنها روی نخواهد داد .

برای اجرای رهنمود روی زمین های کسانی این حکم را به پیش کشیدند که وظیفه مارکسیست - لنینیستها گویا اینست که فقط بکار انقلاب ایران بپردازند و خود را از اختلاف نظری که در جنبش کمونیستی جهانی بر سر مسائل اساسی مارکسیسم لنینیسم بروز کرده بپوشانند . این حکم اگرچه در بی نهایت بدلی و بی نهایت و بی حمت ظاهر فریبند آن تا مدتی در اذهان باقی ماند و تأثیر خود را بر جای گذاشت .

اما مظاهر رسوا کننده سیاست روی زمین های شوروی که بر پایه همکاری با امپریالیسم و پشتیبانی از ارتجاع جهانی و مقابله با خلق های انقلابی تدوین شده - مظاهری مانند دعوت اشرف پهلوی به اتحاد شوروی بعنوان نماینده زنان ایران و بیانات خلاق دیلمت شوروی در تجلیل از شاه - گذاردن تاج گل بر مقبره رضا خان از طرف فلان نماینده شوروی و غیره - نمیتوانست اینجا و آنجا بروز نکند و خشم و نفرتی نیروهای انقلابی را بر نیانگیزد . روی زمین های ایران با تمام حسن نیت و وفاداری بی چون و چرای خود نسبت به زمامداران شوروی و خط مشی و سیاست آنها از دفاع از این اعمال در مانده اند . این اعمال در واقع با هیچ سفسطهای تا چه رسد به استدلالی قابل توجیه نبود .

در برابر این واقعیات نفرت انگیز آنها تدبیر تازه ای اندیشیدند : از یکسو متذکر شدند که در دنیای بفرنج و پراشوا امروز هیچکس و نهی نیست که میتوان سیاستی را بر اساس اشتباه به پیش برد و بدین ترتیب با تأیید احتمال بروز خطا و اشتباه اقدامات مذکور را به حساب خطاهای احتمالی گذارند که در زمینه یک سیاست عمومی صحیح بوقوع پیوسته است اما از سوی دیگر تأکید کردند که این اقدامات مظاهری محلی (تاکتیک های) یک سیاست عمومی (استراتژی) است که گویا برای نیل به هدف استراتژیک ضروریست . بنظر آنها آنچه باید ملأک ارزیابی واقع شود اقدامات تاکتیکی نیست بلکه سیاست عمومی است و اگر بفریب در این یا آن تاکتیک نقض مشاهده گردد میتوان از آن گذشت چون سیاست عمومی که بر مبنای آنها هدفش نیل به سوسیالیسم در مقیاس جهانی است در مجموع درست است . با این تدبیر روی زمین های ایران افراد را به صحت سیاست عمومی شوروی دلخوش میباشند و در دام روی زمین و اتحاد شوروی نگاه میداشتنند . اما بتدریج این افسوس نیز کارگر نیافتاد . اشتباهات و خطاهای اتحاد شوروی از شماره فزون گشت به صحنه ایران محدود نگردید بلکه دامنه آن به سراسر کشورهای جهان گشوده شد . امروز هر بیننده ای میتواند که سیاست اتحاد شوروی در قبال شاه و طبقات حاکمه ایران جنبه محلی نداشته استثنائی هم نیست ، همین سیاست کک و پشتیانی نسبت به سوهارتو در اندونزی ، موبوتو در کنگو ، کساندی و حزب گنگره در هند ، سرلشکران کودتای در یسونسان و ... اعمال میشود هر بیننده ای

می بیند که چگونه اتحاد شوروی با طرح " سیستم امنیت جمعی در آسیا " که هدفش محاصره جمهوری توده ای چین است به حفظ و حراست حکومت های "حکومت ایران و تایلنده مالزی و اندونزی و ... بر بی خیزه همه تجا و ارتش روی زمین ها را به چکسولای و ایجاد حکومت دست نشانده ای که منویات آژندانه و استیلاجویانه آنها را تأمین کند می بیند ؟ روشن است که " تئوری های " استقلال محدود " ، " حاکمیت محدود " و " دیکتاتوری بین المللی پرولتاریا " بخاطر توجیه تجاوز و حفظ سلطه زمامداران شوروی بر کشورهای دیگر است . اینها هیچکدام در انطباق با آن سیاست عمومی که روی زمین های ایران روی آن انگشت می گذارند نیست . برعکس اینها همه تراوش آن سیاست ارتجاعی و ضد انقلابی و سوسیالی - امپریالیستی است که روی زمین شوروی در صحنه جهان بازی میکند . اکنون معلوم میشود که مارکسیست - لنینیست ها در مبارزه با روی زمین و سوسیالیسم امپریالیسم شوروی تا چه اندازه محق بوده و هستند و تا چه حد گفته های آنها در انطباق با واقعیت شوروی است .

اینکه روی زمین های ایرانی در میانند که مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی با سازمان مارکسیستی - لنینیستی توانا بجنگ واقعیات و حقایق رفتن است و جز آنکه بیشتر آنها را افشا کند نتیجه دیگری بر آن متصور نیست . اینست که بنابر دیگر تاکتیک مبارزه خود را تغییر میدهند . اکنون از جدوج مشرک خود با سازمان توان سخن بمان میاورند ، از این مقلوبه صحبت میکنند که باید مبارزه ایدئولوژیک را کنار گذاشت و در مبارزه علیه رژیم شاه متحد شد ؟ آنها دست پروردگان خود را بمان هواداران مارکسیسم - لنینیسم گسیل میدارند و مویزانه میکوشند در ارگان اندیشه های ایشان خلی و آرزو و وفاداری آنان را نسبت به اندیشه مائوتسه دون و به جمهوری توده ای چین و مرکز انقلاب جهانی دستخوش تزلزل و تردید سازند .

آنچه که مربوط به اتحاد است نظر سازمان توان بروشنی بیان شده است تا بر آنیم که اتحاد قوت است . بد و ن اتحاد کار انقلاب هرگز به سرانجامی نخواهد رسید . اتحاد نه تنها برای در دست گرفتن قدرت بلکه برای حفظ و استحکام آن نیز ضروری است . اما اتحاد برای ما یک مفهوم انتزاعی نیست بلکه گفتگو بر سر اتحاد در شرایط مشخص و بخاطر هدف مشخص و با متحدین مشخص است . اتحادی که مدار بین آنیم اتحادی است انقلابی و در مرحله کونی اتحادی است بخاطر مبارزه انقلابی با رژیم کونی و در راس آن شاه بمنظور سرنگون ساختن آن . چنین اتحادی فقط با نیروهای انقلابی مطرح است نیروهای که نیل به این هدف را وجهه همت خود قرار داده اند .

روزی زمین های ایران که کک های اقتصادی و نظامی اتحاد شوروی را بر زمین شاه که چیزی جز تقویت این رژیم نیست میستایند و بر آنند که با دست همین رژیم از راه توسعه نفوذ شوروی میتوان گویا امپریالیسم و ارتجاع را از صحنه کشور براندخت در واقع در حفظ و نگهداری رژیم شاه میکوشند . انتقادات آنها از برخی جوانب نظام کشور ما بخاطر آنست که توده های مردم را بفریبند و آنها را به سازش با رژیم بکشانند . اتحاد با این گروه سازشکار جز بیزان انقلاب و بیزان خلق ایران نیست . نمیتوان با دوستان و نگهبانان دشمن اتحاد بست و سپهری چنین متحدینی بچنگ با دشمن رفت . ما یقین داریم که مبارزه نهانی روی زمین های ما نیز سازمان ما بجائی نخواهد رسید . تا زمانی که حقایق مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون راهنمای ما است موفقیت و گامیابی ما حتمی است .

جنبش دانشجویی

" جنبش دانشجویان بخشی از مجموعه جنبش خلق است . اعتلا جنبش دانشجویان مسلماً به اعتلا جنبش تمام خلق خواهد انجامید . "

مائوتسه دون

... کفرانس ریاط بشبه ازیر ۳ . دیکری مانسند اندونزی و مالزی درگیر است . در برخی کشورهای دیگر این بخش نیز جنگ توده ای تبارک میگردد و در وجود حکومت های دست نشانده این کشورهای بقنا نزدیک میسازد . تشکیل " کفرانس عالی سران اسلامی " نیز برای دفاع از خلق فلسطین نیست ، بلکه ترس دیگری که در جان این حکومت هاست انگیزه آنست . اگر قدر کک بخلاق فلسطین در کار بود بدون تأخیر بدون تشکیل کفرانس فقط بیه پشتیبانی کامل سیاسی و نظامی از جنگوران فلسطین همت گما میگشت . باسرفزات نماینده الفت در مصاحبه مطبوعاتی تکرار کرد : " من با سلحه شما بیشتر نیاز دارم تا بحرف شما . . . " در حالیکه این کفرانس نشان داد که سران مرتجع دولتهای اسلام نه تنها در فکر سلحه دادن نیستند بلکه اگر حرفی هم میزنند ، حرفی در مخالفت آنجنگ توده ای خلق فلسطین است ، حرفی است بدان معنی که خلق فلسطین نباید با اتکا با سلحه سرنوشته خویش را در دست گیرد بلکه باید راه " مسالمت آمیز " برگزیند . سلحه را زمین بگذارد و فقط بگفتگوهای داخل سازمان ملل دل ببندد و بامید شفقت امپریالیستها و یابوه سرائیهای سوسیالی - امپریالیستهای شوروی بنشیند . ولی هیچیک از این نیرنگها نمیتواند خشم خلقهای این کشورهای فرو نشاند و فرسنگوله های جنگوران فلسطین و اندونزی و مالزی را خاموش سازد . برای در هم شکستن مقاومت خلقهای فلسطین و اندونزی و مالزی . . . تاکنون کوششها و نیرنگهای نظامی و سیاسی فراوانی بکار رفته است ولی تجربه نشان داد که همانطور که نظیر این کوششها و نیرنگها تاکنون نتوانسته است مقاومت خلق ویتنام را در هم شکند ، مقاومت خلقهای شورهای مذکور را نیز در هم نخواهد شکست .

دو اثر ضد روی زمین نیستی

مطالعه این دو اثر از نشریات توسفان :

۱ - اعلامیه و برنامه کونیست های بلشویک روس .

۲ - روی زمین در تئوری و عمل .

شما را در مبارزه با روی زمین (در مظهر جهانی و در مظهر ایرانی آن) سهیم میسازد . آنها را از روزنامه توسفان بخواهید .

بهای هر یک معادل ۴۰ ریال

کشور ایستاد بقیه از هم اقتصاد ایران ، وابسته با امپریالیسم اقتصاد غارت زده . میزان بهره وام های امپریالیستی نیز از حد تصور بیرون است . روزنامه آیندگان چندی پیش نوشته بود که گامیزان بهره و در عمل به مراتب بیش از رقی است که در موافقت نامه ها ذکر میشود و یا در مصاحبه های مطبوعاتی اعلام میگردد و در نتیجه رقم بهره در بسیاری موارد از ۱۳ درصد تجاوز میکند و ضمناً آنچنان حیلله های بانکی بکار برد میشود که گاه دولت ایران بابت یکصد میلیون تومان وام در واقع بیش از ۱۶۰ میلیون تومان میپردازد !

صرف وامها و رانیز امپریالیستها بر حسب مصالح فارتکرانه خودشان تعیین میکنند و سازمانهای مالی و صنعتی امپریالیستی نقته های پنج ساله ایران را بهمین منظور مورد بررسی و تقصو قرار میدهند .

بهبوده نیست که یکی از امپریالیستهای بلژیکی در مصاحبه با روزنامه آیندگان گفته بود : ایران برای کشورهای سازمانها مالی (امپریالیستی) جهان کشور ایستاد است . درست نظیر بعضی از کشورهای آمریکای جنوبی و مثلاً بزرسیل .

تردید نیست که امپریالیستها و خادمان آنها از این " کشور ایدئال " خویش ، از این بهشت جنایتکاران برضا و رغبت دست نخواهند کشید بلکه بزور سلحه از اسارت ایران دفاع خواهند کرد . هیچ راه مسالمت آمیزی برای آزادی از رژیم محمدرضا شاه وجود ندارد . فقط انقلاب قهرآمیز تحت رهبری طبقه کارگر میتواند مین ما را به " کشور ایستاد " خلق میسدل گرداند .

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتاری است

چه بود و چه شد بقیه ازهر... هم اکنون در اتحاد شوروی تحقق میابد... چیزی جز سیستم اقتصادی سرمایه داری نیست... در این سیستم معیار ارزش فعالیت هر مؤسسه اقتصادی سودی است که این مؤسسه تحصیل میکند... هر مؤسسه اقتصادی باید بگوشد بهر وسیله و طریقه ای که خود صلاح میدانند... هر اندازه بیشتر سود بدست آورد... سود و طبیعتاً سود حداکثر نیروی محرکه و عام مسئول رشد و تکامل اقتصاد شوروی است.

"سیستم نوین" با تفویض امتیازات مهم و متعدد به مدیران مؤسسات اقتصادی، آنها را به مالکان تام اختیار. این مؤسسات بنیاد میسازد که میتوانند آزادانه و رأساً در تمام مسائل مربوط به تولید، امور مالی و کارکنان آن مؤسسه تصمیم بگیرند... آنها میتوانند فی المثل از مؤسسه خود هر آنچه را که "زائد" تشخیص میدهند بفروشند... هر آنچه را که "در حال حاضر مورد احتیاج مؤسسه نیست" به اجاره واگذارند... در کنار انجام نقشه سفارشات خصوصی بپذیرند و در صورتیکه نیاز آفتد بخش تازه ای با سرمایه خود به مؤسسه بپیازند... تعیین تعداد کارگران و کارمندان هر مؤسسه با مدیر آنست... مدیران مؤسسات رأساً دستمزدها را تعیین میکنند... تغییر میدهند... کارگران تازه ای بکار میکنند... کارگران راجربه و اخسراج میکنند و غیره... بدین ترتیب "سیستم نوین" از مؤسسه اقتصادی سوسیالیستی يك مؤسسه سرمایه داری تمام عیار میسازد با تمام نتایجی که برآن مترتب میگردد... هرج و مرج تولید... افزایش قیمتها... بیگاری... استثمار... فشنیدی طبقاتی... احتکار... کبود شدید اجناس... صرفی... بازار سیاه... پدیده هایی است که امروز در اتحاد شوروی به چشم میخورند اقتصاد خصوصی بویژه در کشاورزی از راه افزایش قطعه زمین دهقانان... کلهوزی و یا تعداد دام آنها تشویق میشود... قطعه زمین بعضی از افراد کلخوز باندازه ای است که آنها آنرا به اجاره میدهند یا برای بهره برداری از آن... نیروی کار اجیر میکنند... بدین ترتیب کولاک ها (پورژواری ده) که کشاورزی اشتراکی به حیات آنها بشابه طبقه اجتماعی خاتمه داده بود دوباره سر بلند مینمایند.

در برابر این وضع ناپامان عدم رضایت و مقاومت خلق... های شوروی پیوسته فزونی میگردد... دارنده ریزینوینست نیز دستگاه دولتی یعنی ارتش و پلیس را تقویت میکند... سازمان امنیت و محاکم را توسعه میدهد و با دست آنها مقاومت و مبارزه خلق شوروی را درهم میکشد... اینست در خطوط کلی شمه ای از آنچه که اکنون در کشور اتحاد شوروی میگردد.

بدیهی است کشوری که در داخل پول و جلب منفعت را در مقام فرماندهی میشانند... کشوری که با شیوه های فاشیستی صدای اعتراض خلق خود را خاموش میکند... در خارج... سیاست جز سیاست غارت و استثمار خلق ها و همکاری بسا نیروهای ضد انقلابی برای سرکوب خلق های انقلابی نمیتواند... در پیش گیرنده نمیتواند برای حفظ منافع غارتگرانه خود تجاوز علیه خلق های دیگر دست نزند یا علیه سوسیالیسم و کمونیسم بر نخیزد.

کشوری که روزی یار و دشوار خلق ها بود و به آنهاست... مبارزه علیه دشمنان مدد میسازید... کشوری که دشمن بسی امان امپریالیسم و ارتجاع بود... اینک در صحنه جهان آن آشکارا و بی پروا با امپریالیسم بویژه با نیرومندی آن برای سرکوب نیروهای انقلابی از در همکاری در میآید... ارتجاع سیاه را در حال مبارزه خلق ها تقویت و پشتیبانی میکند.

کشوری که روزی استثمار و استعمار را از جامعه خود برانداخته بود و علیه استثمار و استعمار در سراسر جهان نبرد میکرد... اکنون خود به غارت ثروت کشورهای دیگر و استثمار خلق های دیگر میریزد و پیوسته در پی آنست که در غارت و استثمار دیگران سهم بیشتری برای خود تحصیل کند.

... کنفرانس ریاض بقیه ازهر... از جانب دولت ایران بشابه ناپایند... مرتجعترین عناصر شرکت کننده در کنفرانس ابراز نیهشند... "قطعه نامه کنفرانس هالی... سران اسلامی" نیز نشان میدهد که هدف اکثریت شرکت کنندگان در واقع خلع سلاح خلق فلسطین... سازش با امپریالیسم و اسرائیل بوده است... در سرفاله لووند (۲۷ سپتامبر ۱۹۶۹) چنین میخوانیم: "اعلامیه نهائی با کمال دقت از بکار بردن اصطلاح تهاجم که بعضی ها میخواستند براه نام اسرائیل در شرح و خاصه مدت در سال پیش اطلاق شود احتراز میجوید و از افشاء صهیونیسم میبرهیزد".

رهبران مرتجع تر شرکت کننده در کنفرانس از آن جمله محمد رضاشاه... با تمام قوا میکوشیدند که دستور مذاکرات مسئله اورشلیم و حفظ اماکن مذهبی محدود گردد... کوشی که معضل فلسطین تنها با آن بستگی دارد که اماکن مذهبی مسلمانان در دست چه کسی قرار گیرد و چگونه از آن شوری در آنها جلوگیری شود... کوشی جنگ توده ای خلق فلسطین تنها بخاطر فتح مجدد بیت المقدس توسط سپاهیان ملک حسین است... و حال آنکه جنگ خلق فلسطین ابدا جنگی مذهبی و نژادی نیست... جنگی است ملی و طبقاتی... جنگ خلق فلسطین کلیه اهالی عرب فلسطین را اعم از مسلمان و مسیحی تجهیز میکند... در میان آن بخش از اگتا که منشا پیوستگی دارند پیشروترینشان... روز بروز قاطع تر به پشتیبانی از این جنگ مییزد و از بدین میدان مبارزه کشیده می شوند... امپریالیستها و صهیونیستها تمام قوا میکوشند اینگونه جلوه دهند که مبارزات خلق فلسطین علیه اسرائیل از تهاژ بین اسلام و یهود ناشی میشود و حال آنکه رفتار دولت اسرائیل بسا فلسطینی های غیر مسلمان بهتر از رفتار فلسطینی های مسلمان بوده است و بدین جهت مبارزه برای رهائی فلسطین وظیفه آنها نیز هست... با وجود این ملاحظه میشود که برخی از دولتهای عربی نیز باین تبلیغات امپریالیستها و صهیونیست هان در راه آند پیوسته و اسلاما میگویند... این امر امری غیر عادتی نیست... در واقع آن دولتهای عربی که دست نشانده امپریالیسم اند چه عنوانی جز عنوان پان اسلامیم میخوانند ادعای شرکت در نهضت ضد امپریالیستی خلقهای عرب داشته باشند؟ برای آنها مسلم که طرح مسئله ملی و طبقاتی و بدین طریق این طرح در واقع بمعنای نفی خود آنهاست... طرح مسئله ملی و طبقاتی و رسمیت شناختن جنگ خلق فلسطین بشابه يك جنگ انقلابی ضد امپریالیستی هم برای امپریالیست ها و دولت اسرائیل خطر آرد و هم برای رژیم های فئودالی و بورژوازی عرب که وابسته با امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی هستند... رژیم های مذکور که قادر بجلو گیری از نهضت خلق نیستند میکوشند آنرا منحرف ساخته بسوی دیگر یعنی بسوی اختلافات مذهبی سوق دهند.

کشورهای اسلامی یکی از بخش های وسیع منطقه قسطنطنیه و تشکیل میدهند... هم اکنون جنگ توده ای نه تنها در سرزمین عربی فلسطین بلکه در کشورهای مسلمان نشین بقیه در ص

کشوری که در پایان جنگ دوم جهانی خلق های فاشیست... زده ارتش آنها با آفوش باز استیصال میکردند و بر تانک های آن گل می افشاندند... امروز آنرا با فریاد "بخانه ات برگرد!" پذیره میشوند... در ارتش قهرمان شوروی ارتش آزادی بخش بود که خلق ها را از چنگال خون آشام فاشیسم رها می کرد... امروز ارتش تجاوزی اینست که وظیفه اش سلب آزادی و استقلال و تامین استبدادی سوسیال... امپریالیسم شوروی بر خلق های دیگر است.

کشوری که روزی بحق مورد نیایش و احترام همه متدیده... گان بود امروز دیگر حتی در نزد نوکران بی چون و چرا کفویت نیز از حیثیت و اعتبار برخوردار نیست.

روز اتحاد شوروی در سایه مارکسیسم... لنینیم تحت رهبری لنین و استالین بر فراز گله عظمت و احترام جا داشته امروز ریزینوینست ها آنرا تا سرحد يك کشور امپریالیستی نازل داده و آماج خشم و نفرت خلق های جهان ساخته اند... اما بقیین در پی امروز فردائی است... فردائی که خلق های شوروی و در پهنایش آنها پرولتاریا شوروی ریزینوینسیم و ریزینوینست ها را سرنگون خواهد ساخت و جامعه شوروی را بار دیگر در شاهراه سوسیالیسم و کمونیسم خواهد انداخت

در میان مشاجرات... بقیه ازهر... و خلق کشور خود را می فریبند... ریزینوینست های ایرانی نیز که متاسفانه بخش دولتی در روزگار رژیم محمدرضا شاهی انسد باقیه همین نقش شوم مشغول اند.

برای نشان دادن اینکه بخش دولتی چگونه به بخش خصوصی و مصالح طبقات حاکمه خدمت می کند نظری به چگونگی فعالیت صنایع بخش خصوصی کافی است... مثلا شرکت "ملی" گاز را در نظری میگیریم... این شرکت در دست دولت است باین معنی که مالکیت گاز با دولت است و آنگاه شرکت مذکور توزیع گاز را به شرکتهای خصوصی واگذار شده یعنی متتابع عظیمی برای کسب سود با آنها داده است... در ایران شرکت "ملی" گاز وجود دارد ولی سرکار مردم در واقع بسا شرکتهای خصوصی است... اما آن سهمی از سود که به شرکت "ملی" گاز میرسد نیز برای مردم نیست بلکه در راه اجتناب برنامه های توسعه اقتصادی و تامین غارتگری پرورگرانهای دولتی پرداخت سخارج دستگاه دولتی بکار میرود و خلق ایران را در آن سهمی نیست.

هم اکنون دولت در تدارک نهی دومین کارخانه نوب آهن است که در اهواز خواهد بود ولی دولت فقط "نوب سنگ آهن" را که مستلزم سرمایه بزرگ میباشد برعهده خواهد گرفت و مراحل بعدی را به بخش خصوصی می سپارد... در اینجا نیز دولت در درجه اول به بخش خصوصی خدمت میکند و سونگند که به خود او عاید میشود در همان حلهائی مصرف میرسد... در بالا بیان کردیم.

پس ایجاد هرگونه توهمی در باره "همه خلقی بودن" بخش دولتی ایران خیانتی است به خلق ایران... مشاجره ای که اکنون در کشور ما بر سر بخش دولتی و بخش خصوصی جریان دارد مشاجره ای است بین خود طبقات حاکمه... بین خود سرمایه داران بر سر چگونگی تقسیم فائده... نه بخش دولتی برای توده های زحمتکش کار میکند و نه بخش خصوصی.

بعلاوه لازم توجه است که آن بخش خصوصی که در برابر بخش دولتی قد علم میکند بطور عمده از سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم تشکیل میشود... امروزه سرمایه هسای امپریالیستی نه فقط با سرمایه های دولتی بلکه با عده نسبتاً زیادی از سرمایه های خصوصی آمیخته و در غارت خلق ایران مستقیماً سهمی شده اند... بانکی مانند بانک ایرانیا... شرکتهای مانند شرکت سهامی مثل شیمیائی ایران و بسیاری از شرکتهای دام پروری و کارخانه هایی مانند کارخانه اتومبیل سازی و لایپ سازی و غیره و غیره که در شمار بخش خصوصی اند همگی آمیخته با سرمایه های امپریالیستی اند و هر بخشی از اقتصاد کسه با آنها واگذار آرد و به سرمایه ملی واگذار نشده بلکه به سرمایه وابسته به امپریالیسم واگذار شده است.

پس گمانیکه این بخش خصوصی را "بخش ملی" جایز تند و واگذاری کار به این بخش خصوصی را "واگذاری کار ب مردم" جلوه میدهند فریب کارائی پیش نیستند.

واقعیت اینست که سرمایه داری ملی خلق ایران از سرمایه داری وابسته با امپریالیسم (خواه در بخش دولتی و خواه در بخش خصوصی) ضربه میخورد و مانند توده های زحمتکش با امپریالیسم و سرمایه داری وابسته با امپریالیسم تا وقتی که در کشور ما رژیم کوتاه و رژیم وابسته با امپریالیسم وجود دارد هیچ تغییر اساسی در اقتصاد ایران بسود طبقات زحمتکش امکان پذیر نیست... سرمایه داری ملی ایران نیز تا سلطه امپریالیسم باقی است پیوسته در معرض روشنگری خواهد بود.

"تحول اقتصادی مستلزم روشنائی مناسب سیاسی است" چنین است آموزش بزرگ لنین.

عنوان: دید مکتوبات

X GIOVANNA GRONDA
26030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی:

X GIOVANNA GRONDA
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده ای است

در بازه خودتوفان

با آنکه مشی روزنامه توفان و نقش وی بر خوانندگان گرامی روشن است بنظر میسرید که توضیح چند نکته در این مورد ضروری است:

نخست اینکه نقش روزنامه توفان با نقش کابلهای دریی تئوریک یکسان نیست و نمیتوان متوقع بود که در هر شماره توفان مسائل مجرد تئوریک مورد شرح قرار گیرد. روزنامه توفان در درجه اول ارگان سیاسی سازمان است باین معنی که در درجه اول بتحلیل مسائل و جریانات مشخص روز می پردازد. مبارزات جاری را رهبری میکند، رهنمود میدهد، بسیج کننده و سازمان دهنده است. البته روزنامه توفان تحلیل ها و نتیجه گیریهای خود را بر اساس تئوری های انقلابی مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون متکی میسازد و بهنگام ضرورت بحث در پیرامون مسائل مجرد تئوریک نیز میپردازد. ولی روزنامه توفان هیچگاه بصورت ورقه ای از کتاب درسی تئوریک در نیاید. سازمان توفان میگوید وظیفه خود را در اشاعه تئوری های انقلابی مارکسیسم-لنینیسم بطور عمده از طریق پخش آثار مارکس، انگلس، لنینین و استالین و مائوتسه دون و نگارش و طبع رسالتی در زمینه تئوری انجام دهد.

نکته دیگر اینکه: سازمان توفان سازمانی مارکسیستی-لنینیستی است که در مرحله کنونی در راه انقلاب دموکراتیک توده ای مبارزه میکند ولی هدف نهائیش انقلاب سوسیالیستی است و هوادار انقلاب جهانی است. انترناسیونالیست است، میدانند که پیروزی قطعی طبقه کارگر و خلق ایران جز با پیروزی انقلاب جهانی میسر نخواهد شد. دفاع از پرچم داران انقلاب جهانی، دفاع از دوسوسیالیسم یعنی از جمهوری توده ای چین و جمهوری توده ای آلبانی و دفاع از نهضت های انقلابی منطقه توفان ها و خلق های سراسر جهان، مبارزه با امان با دساتیر ارتجاعی و جنایات بین المللی امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم وظیفه مقدس و افتخار آمیز روزنامه توفان و در حکم دفاع از آرمان های انقلابی خلق ایران است. البته ایفا این وظیفه همیشه و بویژه در لحظات بحرانی آسان نیست. محافل ارتجاعی و امپریالیستی پیوسته کوشیده و میکوشند که وظیفه انترناسیونالیستی حزب پسا سازمان طبقه کارگر را میان خدمت خلق خویش جلوه دهند. هدف محافل مذکور گسستن پیوندهای نیرو بخش انترناسیونالیسم پرولتری و منفرد ساختن هر انقلاب بمنظور سرکوب آن است. اما انقلابیون آگاه از جنجال نمی هراسند و بیدام عوام فریبی های ارتجاع و امپریالیسم نمی افتند. وظیفه آنهاست که همیستی بین المللی را در لیانه بقیتم هرگونه فداکاری حفظ و تحکیم کنند.

نکته دیگر اینکه: روزنامه حزب یا سازمان طبقه کارگر باید پیوسته در جریان نظریات خوانندگان خود باشد و از آنها پیاموزد. ولی اگر نتواند نظریات مذکور را بر اساس تئوری های انقلابی تحلیل کند و بگانه راه حل درست هر مسئله را بنیاید و بمیان توده ها ببرد وظیفه خود را انجام نداده و به دنبال روی دچار شده است. وظیفه روزنامه آن نیست که نوازشگر افکار و احساسات عمومی باشد و فقط آنچه را که بدون چون و چرا مورد قبول عموم خوانندگان است بنویسد. باصطلاح - حکایت بر مزاج مستمع بگوید. وظیفه روزنامه ایفا نقش پیش آهنگ است. روزنامه باید پیوسته بدون کترین تنزل از حقایق مارکسیستی-لنینیستی دفاع کند و با این اطمینان که حقایق مذکور در اثر تجارب زندگی و مبارزه آید ولو تئوریک و سیاسی دیر یا زود مورد قبول عموم خوانندگان قرار خواهد گرفت.

نکته دیگر اینکه: انعکاس مسائل ایران در روزنامه ما

قیام دهقانان در هند

در روزی که گذشته دسته ای از پارتیزان های هند در ولایت آندرا به واحد بزرگی از پلیس برخوردند و همگی شهید شدند. رهبر این دسته پانچشادی کریشنامورتی با سرلمندی به افسران پلیس گفته: " شما با گشتار ما نخواهید توانست جلوی نهضت انقلابی را بگیرید. هیچ نیروی در جهان نمیتواند انقلاب مسلح خلق را خاموش گرداند. رژیم استعمارگر و مستکار کنونی محکوم به نابودی است."

کریشنامورتی از بنیان حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست) و عضو کمیون تشکیلات کل آن حزب و همونین از سازماندهان و رهبران مبارزه مسلحانه و ولایت آندرا و چند ناحیه دیگر بود.

پیثار مسلحانه ای که اکنون در ۱۹ ناحیه بنگاله غریبی جریان دارد دنباله پیکار مسلحانه دهقانان ناکسالباری است. پس از مبارزه آشتی ناپذیری که در سال های اخیر میان روزیونیست ها از یک سو و مارکسیست-لنینیست ها از سوی دیگر در گرفت عده ای از مارکسیست ها-لنینیست ها و سایر انقلابیین رویه روستا نهاده به بیدار ساختن و بسیج دهقانان پرداختند و در آغاز سال ۱۹۶۷ قیام مسلحانه ناکسالباری را رهبری کردند. این قیام سر آغاز دوران جدید مبارزات مردم هندوستان است دوران مبارزات قهرآمیز بر ضد نفوذ الیسم و ارتجاع و امپریالیسم. این قیام پرتو امید در دل زحمتکشان هند افکند و دورنمای نوینی در برابر دیدگان آنها گسترده. این قیام در اثر هجوم کین توزانسه دولت مرتجع هند چندی فرونشست ولی خاموش نشد و آرام آرام به نواحی دیگر از بنگاله غریبی سرایت کرد. نصر عمده قیام ناکسالباری در آن بود که در آن زمان هنوز حزب کمونیستی لنینیستی طبقه کارگر در هندوستان وجود نداشت تا رهبری را محکم در دست گیرد و ارتجاع هندوستان از هم دست رویزیونیست ها در سرکوب قیام ناکسالباری سود بسیار نداشت. ولی مبارزه درین مارکسیست ها-لنینیست ها سرانجام به نتیجه رسید و در ۲ آوریل ۱۹۶۹ (روز تولد آموزگار بزرگ پرولتاریا لنین) حزب کمونیست هند مسلح به مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون پایه گذاری شد و عمده توجه خویش را به قیام دهقانان معطوف داشت. اینک قیام دهقانان هند در ولایت بنگاله غریبی و نواحی دیگر در رای که رفیق مائوتسه دون نشان داده است با استواری به پیش میسرود.

کریشنامورتی و شش تن همراه او همگی از دهقانان فقیر بودند و پنج تن از آنها در حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) هند عضویت داشتند. کمیون تشکیلات کل حزب بنیاسیت شهادت آنان اعلامیه ای خطاب به مردم هند صادر کرد تا روحیه انقلابی شهیدان را زنده نگهدارند و چنین گفت: " درد و رنج خود را به کینه نسبت بدشمن بدل کنیم و ضربات بازم نیزروند تری بروی وارد سازیم تا آنکه امر انقلاب هند که رفیق پانشاری کریشنامورتی و شش رفیق دیگر در راه آن جان سپردند هرچه سریع تر به پیش برسانند."

اهمیت انقلاب دهقانی در هندوستان پوشیده نیست. هندوستان کشور بزرگی است با ۵۰۰ میلیون جمعیت. هندوستان یکی از مراکز سازش امپریالیسم آمریکا و روزیونیسم شوروی است. مظهر عقب ماندگی قرون وسطایی و مستعمراتی

متأسفانه بازنده کافی نیست و این نصر از آنجا ناشی میشود که برای تحلیل جریانات عمیق جامعه ایران غالباً با کسود اسناد روبرو هستیم. دیرگاهی است که مقامات دولتی ایران از انتشار اخبار و آمارها و ماخذی که منحس کنند و واقعیت باشد خود داری میوزند و اینک با دشواری های بسیار میتوان بزیرخی از این منابع دست یافت. روزنامه توفان همیشه کوشیده و خواهد کوشید که بتحلیل مسائل جاری ایران جای بایسته ای داده شود و در این زمینه از عموم رفقای سازمانی و سایر خوانندگان متوقع همکاری و مساعدت است.

است. منبع تحریکات بر ضد جمهوری توده ای چین و سایر خلق های آسیاست. صدها میلیون نفر در این کشور در چنگال فقر جانسوز گرفتارند. رهائی هندوستان سهم بزرگی در رهائی منطقه توفان خواهد بود. در زمانه ایست که روزیونیست های هند با تبلیغ راه مسالمت آمیز به هیئت حاکمه مرتجع هند و اسارتگران امپریالیست یاری میسازند و بمنافع حیاتی خلق خیانت میوزند. ولی تاریخ هندوستان گواه روشنی بر این حقیقت مارکسیستی لنینیستی است که کسی که بجای ترضی بردگان به قیام بر ضد بردگی به تسلی آنها بپردازد دستیار برده داران است (لنین) و " در عصر امپریالیسم ... طبقه کارگر و توده های زحمتکش فقط بزور تفنگ میتوانند بر طبقات مسلح بورژوازی پیروز گردند" (مائوتسه دون). ما برای رفقای حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست) و همه انقلابیین هند کامیابی های روز افزون آرزو میسازیم.

کشور ایدئال

تحویل وام یکی از شکل های صدور سرمایه مالی و یکی از شیوه های استیلای استعمار است. امپریالیست ها از یک سو از محل وامی که میدهند بهره کزافی می ستانند و از سوی دیگر شرایط اقتصادی و سیاسی را هزنانه بر کرده و وام گیرنده میگردانند. خلاصه کار باید تمام یا بخشی از وام را بخرد کالا از کشور بستانکار اختصاص دهد و با قبول قیمت های کزافی از این طریق نیز سود کلانی بجای برساند. وام های امپریالیستی عموماً پیش درآید و زمینه ساز امتیازات اقتصادی و سیاسی برای مالک وام دهنده است. آنچه را که امپریالیست ها بیک دست میدهند با دست دیگری چند برابر می ستانند. آنها آب میدهند و کلاب میگیرند.

در تاریخ استعمارزدگی کشور ما دوره پایان سلطنت قاجاریه از لحاظ اخذ وام های کمر شکن و اسارت آور امپریالیستی به رسوائی و فحشیت شهره شده است. ولی رژیم محمد رضاشاهی در این عرصه خیانت نیز از رژیم مظفرالشااهی در گذشته و ملت ایران در هیچ دوره ای از تاریخ خود چنین بار گران و توان فرسائی از قرض بردوش نداشته است. مبلغ وامی که دولت ایران همه ساله از امپریالیست ها و نیز روزیونیست ها دریافت میدارد نه فقط کاسته نمیشود، نه فقط ثابت نمیمانند بلکه سال بسال ریفایزش میروند. کافی است باین رقم شگفت آور و تا سقف انگیز توجه شود که مجموع وام هایی که دولت ایران در سال ۱۳۴۶ از امپریالیست ها دریافت داشته ۱۱۶ (شانزده) برابر وام های ۱۳۴۲ بوده است. در همین سال قرضه بوده دولت ایران بتهناسی به ۱۱۰ (ده) برابر قرضه بوده ۱۳۴۲ بالغ گردیده است. بالنتجه بخش عده ای از هر قرضه ای که ایران محمد رضا شاه از امپریالیست ها دریافت میدارد عیناً بسرای پرداخت اصل و فرع قرضه های قبلی از دست میروند. ارقام رسمی مجله بانک مرکزی ایران (اردیبهشت ۱۳۴۸) از چنین حقیقت وحشتناکی پرده بر میدارد:

ایران در دوره پنجاه ساله برنامه سوم اقتصادی (۱۳۴۲-۱۳۴۶) مجموعاً ۴۵ میلیارد ریال قرض گرفته و ۳۲ میلیارد ریال آن را عیناً برای اصل و فرع قرضه های پیشین پرداخته یعنی تقریباً فقط ۱۴ قرضه دریافتی را در طی برنامه سوم توانسته است خرج کند. پیشینی میشود که در سال جاری مبلغ کل وام دریافتی ایران ۲۵ میلیارد ریال خواهد بود که ۱۲ میلیارد ریال بربرخی از منابع ۱۹ میلیارد آن بپرداخت اصل و فرع وام های پیشین خواهد رسید و فقط چندین میلیارد ریال مورد استفاده قرار خواهد گرفت (خواندنیا ۳۱ خرداد). اینست منظره ای از اقتصاد ورشکسته بقیه در ص ۲۹